

در صفحه ۱۲ بخوانید...

■ در وطن خویش غریب... | احسان محمدی

■ نگنند هموطنم را دلزده کنم! | قدمعلی سرامی

■ بچه‌ای، تمام ذهنم را مشغول کرده است | نگار استخر

... و ...

قانون هم بدون آزادی پایدار نمی‌ماند

گله می‌کنند از نحوه فعالیت رسانه‌ها و حضور مدیران رسانه‌های که حرفه و تخصص شان رسانه نیست. گله می‌کنند می‌گویند گفت و گومی کنیم.



رسانه آزاد بدون جامعه مدنی، ممکن نیست

آزادی بیان و حق به‌دست آوردن آن، یکی از اساسی‌ترین حقوق ابتدایی شهروندی، هر فردی است. آزادی بیان، تنها یک حق نیست...



بحث‌هایی پیرامون نسبت آزادی بیان و همبستگی اجتماعی

تنها یک سخن در میانه نبود...



یادداشت ۱

آزادی بیان؛ «زهدان» مشارکت اجتماعی!



احمد پورنجاتی

فعال سیاسی

شهودی و تجربی‌اش در جوامع بشری، بسیار می‌توان سخن گفت اما به گمان این قلم و به گواهی نمونه‌های تاریخی و نیز تحولات کنونی چه در ایران و چه در دیگر کشورها، مهم‌ترین و پایدارترین نقش «آزادی بیان» یا برعکس «سلب» و محدودیت آزادی بیان» را در گستره «مشارکت» یا عدم مشارکت اجتماعی «شهروندان» هر جامعه می‌توان جست‌وجو کرد.

رابطه مشارکت اجتماعی و آزادی بیان، رابطه تابع و متغیر است. نمی‌گوییم اگر آزادی بیان نباشد، هرگز مشارکت اجتماعی رخ نمی‌دهد اما می‌تواند اگر آزادی بیان باشد، مشارکت اجتماعی در گستره و ژرفای بیشتر و پایدارتری رخ دهد.

هر چه از سرگذشت تاریخی جوامع سنتی و پیشامدرن فاصله می‌گیریم که به علت نبود و محدودیت و ناکارآمدی سیستم ارتباطی افکار عمومی (رسانه‌ها) نه تنها زمینه شکوفایی

مشارکت اجتماعی و بهره‌گیری سازمان یافته و موثر از «آزادی بیان» برای تحول اجتماعی وجود نداشت، نیاز بیشتری به آزادی بیان احساس می‌کنیم.

در یک مقایسه نقطه به نقطه میان دو برهه از یک دوره تاریخی؛ یکی در فضای رونق «آزادی بیان» و دیگری در تنگنای «اختناق» یا سلب آزادی بیان، به خوبی می‌توان رابطه مستقیم میان «آزادی بیان» و «مشارکت اجتماعی» را مورد سنجش قرار داد.

در جامعه ایران نیز به‌ویژه از دوران مشروطه به بعد این تجربه مکرر، حکایت از چنین رابطه تابع و متغیر دارد.

بیشترین میزان مشارکت سودمند اجتماعی را در دوره‌هایی از تاریخ معاصر ایران شاهد بودیم که جامعه در فضای لطیف و رونق بخش «آزادی بیان» تنفس کرده است.

آزادی بیان نه تنها احساس شخصیت و نقش آفرینی موثر و خلاقیت جامعه را پرور می‌کند بلکه به گونه‌ای حیرت‌انگیز به یکی از مهم‌ترین عوامل پیشرفت و هم‌افزایی در توسعه اجتماعی، یعنی ایجاد و تقویت حس رقابت فعال و کشنگرانه می‌انجامد.

اینک می‌توان به این پرسش اندیشید که آیا در حال و هوای امروزین جامعه انسانی که در واقع هیچ سد آهنینی را برای پنهانکاری واقعیت پیرامونی نیست و کوچکترین رخدادها در هر گوشه از جهان، نه چند لحظه بعد بلکه در دست همه این فرآیند از پرورش چنین تابه تولد نوزاد، در فضای «آزادی بیان» به سرانجام می‌رسد.

آیا آزادی بیان هیچ حد و مرزی ندارد؟

به باور این قلم، هیچ چیز نباید «آزادی بیان» را محدود کند جز خود آزادی بیان! تنها در این دو

مورد:

۱- «آزادی بیان» آنگاه که داعیه و دعوتش سلب «آزادی بیان» باشد (اخلال در حق عمومی آزادی بیان)

۲- «آزادی بیان» آنگاه که برای نفی وجدان اخلاقی باشد (اخلال در معیار دایره جامعه)

بنابراین «آزادی بیان» یک حق طبیعی، یک نشانه زیستی، یک کنش اختیاری، نامحدود، بی‌قید و شرط اما مسئولانه است. به همین دلیل است که هر جا و هر چه بیشتر، «آزادی بیان» از سوی نظام یا ساختار سیاسی حاکم بر جامعه به رسمیت شناخته شود، به تدریج، نوعی التزام فراقانونی و وجدانی یا عرفی برای پاسداشت آن ایجاد می‌شود و به گونه‌ای هنجارمند در نهاد جامعه مستقر می‌شود.

در زمینه اهمیت «آزادی بیان» و پیامدهای ارزشمند آن به‌ویژه در شکوفایی خلاقیت‌های فردی و اجتماعی، با همه پداهت عقلی و درک خود می‌رسد. هر چند در تمام این دوره گروه‌های خاص با افراط‌گری در آزادی قلم بهانه‌ای به حکومت دادند تا همیشه جلوی آزادی بیان گرفته شود. جنگ و همین افراطی‌گری‌ها باعث شد تا باز آزادی بیان از سال ۵۸ و بعد دوباره دچار مشکل شود. اوایل دهه ۷۰، دوره ریاست جمهوری محمد خاتمی هم جزو دوره‌هایی بود که تا حدودی نشریات، آزادی بیان داشتند و در این دوره‌ها نشریه‌های زیادی وارد کار شدند. اما همیشه موج‌سواری گروهی خاص که از فرصتی سوءاستفاده می‌کردند، باعث شد تا آزادی بیان یک اتفاق دائمی در جامعه ما نباشد. در تمام این سال‌ها همیشه افراط باعث شده تا عدای با اهانت به مقدسات و به کار بردن کلمات رکیک در نوشته‌های خود فضا را برای کسانی که خواستار استفاده از آزادی بیان در مسیر درست بوده‌اند، محدود کند. به همین دلیل هم در ابتدای حرف‌هایم گفتم آزادی بیان هیچ‌وقت در هیچ دوره‌ای در جامعه ما نهادینه نشد. یک دوره نیروی بیرونی، گاهی جنگ و گاهی یک اتفاق درونی باعث می‌شد تا جامعه به سمت آزادی پیش برود و صد البته وجود و حضور همین افراد افراطی باعث می‌شد تا این آزادی بلافاصله دوباره از سمت حکومت پرچیده شود و یک فضای از هم گسیختگی و خفقان در جامعه به وجود بیاید.

آزادی بیان به روایت تاریخ

حکومتی روسیه رو بودند که هر دو به دلیل ترس بر جامعه حاکم شده بود. قبل از سال ۵۶ این سانسورها ادامه پیدا می‌کند اما نسلی که در مطبوعات آن سال‌ها فعالیت می‌کنند، همه تلاش خود را می‌کنند تا با شکستن راه‌های سانسور به آزادی بیان دست پیدا کنند. آنها تلاش می‌کنند تا مرزهای نقض آزادی بیان شکسته شود و از فضای بسته و پر از سانسوری که گاه خود شاه به صورت رسمی وارد آن می‌شد جلوگیری و استفاده از ابزاری به نام حقوق‌یستر، آزادی بیان در گفتار و نوشتار پدیدار می‌شود. البته در این دوره هم آزادی بیان تحت تأثیر یک نیروی بیرونی به جامعه تریق شد و نتوانست آن طور که باید کار کرد مناسبی داشته باشد. در واقع آزادی بیان یک هدیه خارجی بود که به ملت ایران اهدا شد. در همین دوره بود که افراط برخی گروه‌ها باعث شد تا حکومت پس از مدتی دخالت کرده و دوباره حکومت یک فضای بر از سانسور و محدودیت را ایجاد کند اما در پایان سال ۵۶ و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی آزادی بیان به اوج

جامعه نبود بلکه ناشی از فروپاشی قدرت مرکزی بود که باعث شد برخی شروع به حرف زدن کنند. در این دوره برای این حرف زدن‌های بی‌پروا، غل و زنجیری وجود نداشت و به همین دلیل خیلی‌ای از گروه‌های مختلف شروع به بیان عقاید خود کردند. البته در همان سال‌ها با تروهای پراکنده‌ای که صورت گرفت، تلاش شد تا با آزادی بیان مقابله شود. در این دوره هم پدیده آزادی بیان یک پدیده عارضی بود که در جامعه نهادینه نشده بود. در همین دوره حضور مصدق و محبوبیتی که او داشت باعث شد تا یک گام در دست برای آزادی بیان برداشته شود. مصدق اعلام می‌کند که منتقدان او و حکومتش اجازه دارند آزادانه حرف خود را بیاورند و برای این کار هم به تحت تعقیب قرار نگیرند. این اولین سرمشتقی بود که در رابطه با آزادی بیان به صورت جدی و عمقی برای مردم و مطبوعات آن دوره در نظر گرفته شد. بعد از کودتا حکومت خود کلامه و متمرکز مستقر شد و آزادی بیان مجدداً از بین رفت. شیوه‌های مجازات و سانسور تغییر کرد و مردم در این دوره با دو نوع سانسور شخصی و

محمدحیدری

پیشکسوت

روزنامه‌نگاری



یادداشت ۲

رسانه‌های مکمل و همبستگی اجتماعی

| امیرعبدالضاسینچی | استاد دانشگاه

ما برای رسانه‌ها کار کرده‌ایم اطلاع رسانی، آموزشی و سرگرمی قابلیم، که موضوع ارتقا و توسعه همبستگی اجتماعی در قالب کار کرد آموزشی قابل طرح است، وقتی بحث توسعه همبستگی اجتماعی را مطرح می‌کنیم، در عمل هر چقدر افراد احساس امنیت و دل‌بستگی بیشتری نسبت به جامعه پیدا می‌کنند، وقتی همبستگی اجتماعی تقویت می‌شود که آزادی بیان هم بتواند ارتقا بیابد.

ادامه در صفحه ۱۰